



دکتر فریدون بهمنیار

یادی از پرفسور هنری کریین

استاد دانشگاه پاریس (سربن)

برای نخستین بار پرفسور هنری کریین را دیدم و باهم آشنا شدیم. در این جلسه که قریب به سه ساعت طول کشید، آن فقید شادروان دل بستگی و اشتیاق خود را، از همان اوان جوانی، به تحقیقات فلسفی و مباحث الهی بیان کرد و باختصار شرح داد: فلسفه غرب را بسیاق زمان آموختم چندین سال، شاید دوازده سال، از محضر بزرگترین استادان فلسفه در آلمان استفاده کردم، آثار «هایدگر» را از زبان آلمانی بزبان فرانسوی ترجمه نمودم.

در سالهای ۱۹۳۵ میلادی و بیعد، با یکی از اساتید بزرگ فلسفه در پاریس به مطالعه آثار فلاسفه قرون وسطی پرداختیم و باهم بیشتر متن‌هایی را مطالعه می‌کردیم که در قرن دوازدهم میلادی از عربی به لاتین ترجمه شده بود و در این زمان بود که ابن سینارا شناختم. این مطالعات و ادارم ساخت زبان عربی و بعداً فارسی بیاموزم و به شرقشناسی رو آورم و در همان تاریخ که دبسته فلسفه آلمانی و ژرمن شناس بودم، شیفته عرفان ایرانی و شرقشناسی گشتم. شیخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی، مرا بخود جذب کرد و از عقل‌گرایان و استدلالیون روی برتافتم و به صاحب‌دلان و اشراقیون پیوستم.

چند سال در ترکیه راجع به تصوف و عرفان و فرقه‌های مختلف صوفیان مطالعه و تحقیق کردم. مجموعه‌یی از آثار سهروردی را بیچاپ رساندم و به شناختن و مطالعه آثار حکیم بزرگ ایرانی، ملاصداء شیرازی رحمه‌الله، پرداختم و تألیفات مشارالیه را بمنظور مطالعه و تحقیق گردآوری کردم و شرح‌هایی که دیگران بر آثار وی نوشته‌اند بدست آوردم. از جمله یکی از علمای ترکیه، مردی عارف و روحانی، کتابی بمن داد. پس از مطالعه آن کتاب، دیدم آنچه در حکمت تا بحال خوانده‌ام زمینی است و این کتاب جنبه آسمانی دارد. معلوم شد این کتاب شرحی است که شیخ اجل اوحد، احمد بن زین‌الدین احسانی اعلی‌الله‌مقامه بر کتاب مشاعر مرحوم ملاصداء شیرازی نوشته است... در اینجا شایسته است این موضوع را یاد آور شویم که از سال ۱۳۲۵ هجری شمسی، پرفسور هنری کریین با عشق و علاقه فراوان آثار بیشمار مشایخ سلسله شیخیه را مطالعه می‌کرد و هر روز که می‌گذشت به این مکتب مؤمن ترم می‌شد و این مکتب را که مکتب تشیع اثنی‌عشری کامل و خالص فهمیده و دانسته

بود، بیش از پیش می‌ستود و در کمتر رساله و مقاله و کتابیست که فصلی مبسوط یا اشاره‌یی و یا مطالبی درباره‌ی مکتب شیخیه نگفته باشد، تا بچائیکه در سال ۱۳۵۵ در مصاحبه‌یی که با نویسنده‌ی روزنامه‌ی اطلاعات در پاریس، آقای حسین مهری، داشته‌است چنین می‌گوید:

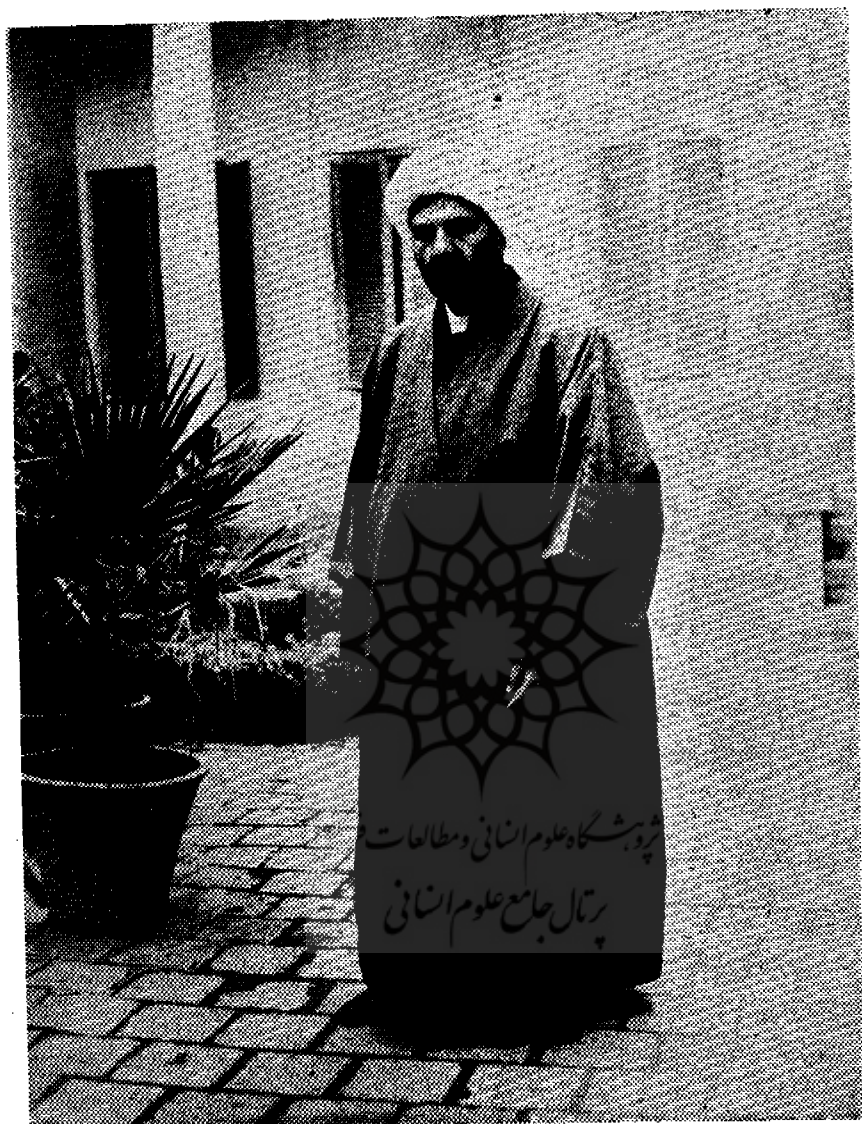
«... درباره‌ی اندیشه‌های شیخیه نیز بسیار کار کرده‌ام. به شیخیه ارادت دارم... درباره‌ی عرفان، کتاب بسیار خوانده‌ام و بسیار نوشته‌ام اما برچسب ندارم. با این همه، ارادت کامل دارم به عظمت این مکتب و عظمت فلاسفه آن...»

پرفسور هنری کریین، پس از لااقل سی‌سال مطالعه‌ی آثار مشایخ شیخیه بر این عقیده بود: «حکمت الهیه امامیه» را که بر پایه‌ی تاملیم‌نامه دوازده گانه تشیع و بیانات چهارده‌نفس مقدس معصوم استوار است و از اسرار علوم آن بزرگواران سرچشمه می‌گیرد، باید در آثار و کتابهاییکه مشایخ شیخیه در حکمت الهی نوشته‌اند جستجو کرد.

پرفسور هنری کریین در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی کتاب «المشاعر» را با انضمام ترجمه‌ی فارسی آن، از بدیع‌الملک میرزا عمادالدوله، با ترجمه و مقدمه و تعلیقات فرانسوی طبع رسانید. در پیش‌گفتار می‌گوید: «آنچه درین کتاب یاد شده اعم از متن حاضر و شرح حال ملاصدرا، و منابیی که در باره‌ی وی موجود است، و رسائل متعددی که درباره‌ی آثار وی تألیف شده، مخصوصاً کتابی که ترجمان و شارح فارسی وی، بدیع‌الملک میرزا عمادالدوله، تصنیف کرده، و نیز همه‌ی مصنفاتی که بوسیله‌ی ملاصدرا یاد شده، و اسامی نویسندگان آن آثار، همه در بخش فرانسوی کتاب حاضر آورده است. ما مخصوصاً در بخش فرانسوی، به شرح شیخ احمد احسانی، که اثری عنیق و ارزنده‌است، توجه بیشتری کرده‌ایم. متأسفانه غالب مردم، بر شرح و قضاوت سطحی ملا اسماعیل اصفهانی درباره‌ی شیخ احمد احسانی، بتجویی واقف‌اند، ولی من جز به عده‌یی انگشت شمار برنخوردم که شرح شیخ احمد احسانی را، که نسخه‌ی آن یک قرن پیش چاپ سنگی شده، و اکنون نایابست، بواقع خواننده باشند... در یک سطر بعد می‌نویسد:

برای خوانندگان گرامی که در بخش فرانسوی این کتاب دقت خواهند کرد لازم بتوضیح نیست چرا یک فیلسوف مغرب زمین مسائل موضوعه ملاصدرا را، که در آثار وی منجلی است، در زمان حاضر برای جهان حاضر، امروزین روز می‌داند، و به مباحث مهم حکمت تشیع، که متأسفانه تقریباً با التمام تا به امروز برای جهان خارج ناشناخته مانده است، ایمان و اعتقاد عمیق دارد.»

در بخش فرانسوی کتاب، پرفسور هنری کریین، بیش از یکصد و پنجاه مرتبه از شیخ احمد احسانی اسم می‌برد و کتاب خود را که رویهم‌رفته در ۲۴۲ صفحه بچاپ رسیده است، باین جملات ختم می‌کند که بفارسی ترجمه می‌شود: «صفحات اول کتاب ما، مباحث دشوار ما بعد الطبیعه‌ی وجود را بیان می‌کند، شاید بنظر مشکل نماید. حل مشکل بزرگی که سرانجام این صفحات ما را به آن می‌رساند، پاداش زحمات طاقت فرسای مترجم و خواننده است. زیرا در آخر کار، در اینجا، آگله می‌شویم اندیشه‌ی شیعی را بحد کمال، در نهایت اوجش،



« سرکار آقا، ابراهیمی »

پیشوای سلسله شیخیه مقیم کرمان
عبدالرضا بن ابوالقاسم بن زین العابدین بن کریم بن ابراهیم

در دو فرد از بزرگترین شخصیتها که نمایندگان آن هستند، شناسایی کنیم، دوفرد بلند پایه که باهم اختلاف و تفاوت بسیار دارند و در همان زمان نیز بهم نزدیکند گفتیم چرا و به چه دلیل: ملاصدرا شیرازی و شیخ احمد احسائی،

پرفسور هنری کرین در باره «عالم مثال» و عود ابدان به عالم آخرت کتابی دارد که در سال ۱۹۶۰ میلادی در پاریس بطبع رسیده و سال گذشته (۱۹۷۷ میلادی) از فرانسه به انگلیسی ترجمه شده است. در این کتاب، که می توان عنوان آن را به «ارض سماوی و بدن معادی از ایران زردشتی تا ایران شیعی» ترجمه کرد، از یازده نفر از بزرگان حکمت و عرفا نام می برد و نظریات و عقاید آنها را شرح می دهد و در قسمت دوم کتاب از هر یک عین متنی از آثارشان را ترجمه می کند. سه نفر از این یازده نفر را از مشایخ سلسله شیخیه انتخاب کرده است. از شیخ اشراق، یحیی شهاب الدین سهروردی (متوفی سال ۵۸۷ ه. ن) ۲۰ صفحه، از محیی الدین بن عربی (متوفی بسال ۶۳۸ ه. ق) ۱۱ صفحه، از داود قیصری (متوفی بسال ۷۵۱ ه. ق) ۵ صفحه، از عبدالکریم جیلی (متوفی بسال ۸۰۵) ۱۴ صفحه، از شمس الدین محمد لاهیجی (متوفی بسال ۸۶۹ ه. ق) ۴ صفحه، از ملاصدرا شیرازی (متوفی بسال ۱۰۵۰) ۹ صفحه، از عبدالرزاق لاهیجی (متوفی بسال ۱۰۷۲ ه. ق) ۵ صفحه، از محسن فیض کاشانی (متوفی بسال ۱۰۹۱ ه. ق) ۵ صفحه، از مکتب شیخیه از شیخ احمد احسائی (متوفی بسال ۱۲۴۱ ه. ق) ۵۰ صفحه، از شیخ حاج محمد کریم خان کرمانی (متوفی بسال ۱۲۸۸ ه. ق) ۲۲ صفحه و درخاتمه از شیخ ابوالقاسم خان ابراهیمی (متولد ۱۳۱۴ ه. ق) از کتاب «تزییه الاولیاء» ۳۶ صفحه به فرانسوی ترجمه و نقل کرده است.

مطالعه ای این کتاب بما می فهماند که پرفسور هنری کرین تا چه حد به حکمت الهی که مشایخ سلسله شیخیه بیان آن را کرده اند، توجه و دلچسپی دارد و آن را «حکمت الهیه امامیه» می داند و می گوید: «این عالیشانترین مکتب حکمت الهی است که یافته ام...» امام را به آن کیفیت که شیخ احمد احسائی شناخته بود، ملاصدرا به آن کیفیت شناخته بود و تماس دائمی را که شیخ احمد احسائی با امام داشت، آن تماس دائم را ملاصدرا نداشت بلکه از پشت حجابی که ما را از عالم ملکوت جدا ساخته است، گاه گاهی برقی می درخشید و ملاصدرا را روشن می کرد، ولی شیخ احمد احسائی از شخصیت های نادر و استثنائی بود که دائماً در اعلی ملکوت سیر و مشاهده دارند. اگر ملاصدرا زمان شیخ احمد احسائی را درک کرده بود تسلیم گفته های شیخ می شد. پرفسور هنری کرین بر این عقیده بود که شیخ احمد احسائی در شرحی که بر کتاب المشاعر ملاصدرا و در شرحی که بر کتاب الحکمة العرشیه ملاصدرا نوشته است هر جا که ملاصدرا کج رفته است و برخلاف موازینی که از ائمه اطهار علیهم السلام، بدون توجه، مقوله ای گفته است، شیخ سعی کرده است او را راست نماید. این مطلب را بوضوح در کنفرانس مفصلی که در مدرسه مطالعات عالی در پاریس، در باره ملاصدرا داده است شرح و بسط می دهد و خلاصه ای از این کنفرانس در سالنامه ای ۱۹۷۷-۱۹۷۸ آن مدرسه که در واقع دانشگاهی است وابسته به دانشگاه پاریس (سربن) اخیراً به چاپ

رسیده است .

پرفسور هنری کرین متأسف است از اینکه : اساتید بزرگ فلسفه و حکمت هیچگاه سعی نکرده‌اند و بخود زحمت نداده‌اند مطالب حکمتی شیخ احمد احسانی را که از بیانات عالی‌ه‌ی ائمه اطهار استنباط کرده است بدقت بخوانند و اصطلاحات خاص آن حکیم بزرگ الهی را درک کنند و حال آنکه آن مرد الهی هر جا که برای بیان مطالب خود از اصطلاحات متداول بین عرفا گرفته است ، بطور صریح می‌گوید که چه اراده کرده است و برای مثال با استفاده از لفظ ماده ، صورت ، نور و وجود ذهنی چه می‌خواهد بیان کند و برای او چه مفهومی دارد و بر مفهوم و مستنبط خود از اخبار آل محمد (ص) شاهد می‌آورد. کسانی که بر حکمت الهی شیخ ایراد گرفته‌اند و گفته‌اند شیخ اصطلاحات حکمتی را نمی‌دانسته ، هیچکدام برای تحقیق به محل رفته‌اند ، ولی ما می‌توانیم بگوئیم شیخ به عمق اصطلاحات و مفهومی که اراده شده است پی برده و بر آنها احاطه داشته است ، ما می‌توانیم بگوئیم زیرا ما برای تحقیق به محل رفته‌ایم. در دوسه مورد از حکمت الهیه امامیه که شیخ احمد احسانی آشکار ساخته است ، صحبت بمیان آمد ، پرفسور هنری کرین تصدیق داشت که : «حکمت برای بسیاری از حکمای بزرگ گذشته فن و رشته‌ی از علم بوده است و حکمت را علم به حقایق اشیاء می‌دانند خواه با شرح مطابقت داشته باشد یا نداشته باشد ، و حال آنکه حکمت شیخ احمد احسانی دینش بوده است و در هر مورد ، چه به نقل ، چه به عقل و چه به کشف مطلبی را درک می‌کرده است ، هنگامی به آن منقول یا معقول و یا مکشوف خویش اعتماد پیدا می‌کرد که آن را با محکمت آیات قرآن و اخبار صریح ائمه‌ی اطهار مطابق می‌یافت و درصدد بر نمی‌آمد آنچه را در یافته است پایه و اساس و اصل مسلم بداند و از مشابیهات بر منقول یا معقول و یا مکشوف خود شاهد آورد و در کتابهای خود ، با کلماتی حاکی از عطف و مرحمت ، در خطاب به ملاصدرا این مطلب را گوشزد می‌نماید ... کسانی که سعی بر این دارند که از عظمت مقام شیخ احمد احسانی و حکمت عالی‌ه‌ی آن حکیم بزرگ الهی ، فهمیده یا نفهمیده و ندانسته ، با اقتراء و تهمت و استهزاء ، بکاهند ، خیانت بزرگی به شرق مرتکب شده‌اند و من این را در جاییکه باید بگویم گفته‌ام ، و من هرگز روا نداشته‌ام در شناساندن این حکمت عالیه کوتاهی کنم و مرتکب چنین خیانتی به غرب بشوم. »

کنفرانس‌ها و خطابه‌ها و مقالات و کتاب‌های مرحوم کرین همه و همه درخور توجه حکما و مشرعیان است و کسانی که باین بحث علاقه دارند به مصاحبه چند صفحه‌ای او در روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۲۳۶ مورخ ۲۱ بهمن ۱۳۵۵ رجوع فرمایند. رحمة الله علیه - رحمة واسعة .